

حمایت کیفری از افراد آسیب‌پذیر در نظام حقوقی ایران و فرانسه

فهییم مصطفی زاده^۱، نغمه عظیمی^۲

^۱ هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوئین‌زهره

^۲ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوئین‌زهره

چکیده

برخی از افراد گاهی اوقات در موقعیت یا وضعیتی قرار می‌گیرند که نیازمند حمایت می‌باشند. از جمله این افراد می‌توان به کسانی اشاره نمود که به‌عنوان شاهد یک پدیده مجرمانه قرار است به سیستم عدالت کیفری کمک کنند و به‌طور کلی اندیشیدن درباره آینده برای کارها و اقدامات کیفری انسان امری ضروری می‌باشد. پژوهش‌هایی که در ایران تاکنون صورت گرفته است به‌طور مستقل به پژوهش حاضر نپرداخته‌اند. در این پژوهش سعی شده است به این سؤال پاسخ دهیم: حقوق کیفری در برابر استثمار افراد آسیب‌پذیر چه وظیفه‌ای بر عهده دارد؟ به نظر می‌رسد حقوق کیفری وظیفه دارد تا از اشخاص آسیب‌پذیر در برابر استثمار دیگران حفاظت کرده و با جرم‌انگاری با رفتارهایی که اشخاص آسیب‌پذیر را تحت سلطه قرار می‌دهند، مقابله کند. بر مبنای نتایج مطرح می‌نماید که نیاز به اتخاذ برنامه‌های پیشگیرانه دارد. برنامه‌هایی که هدف از آن، پیشگیری از خشونت‌های ساختاری ناشی از اقدامات و تصمیمات اتحادی حقوقی و به‌ویژه دولت‌ها می‌باشد. در این بین، آسیب اجتماعی‌شناسی می‌تواند به سیاست‌داره اطلاعات ضروری را در خصوص سیاست‌ها و پیامدهای آن‌ها بر میزان وقوع جرم قتل بدهد.

واژه‌های کلیدی: حمایت کیفری، آسیب‌پذیر، مسئولیت، مسئولیت دولت

مقدمه

بزه دیدگی^۱ اصطلاحی عام بوده و در محدوده‌ی علوم اجتماعی، حقوق کیفری و جرم‌شناسی قابل‌بررسی است. بزه دیده شخصی است که به خاطر وضعیت فردی یا عضویت و وابستگی در یک گروه، متحمل پیامدهای دردآلود و مشقت‌بار با ریشه‌های جسمی، روانی و اجتماعی و حتی طبیعی می‌شود. بزه دیدگی ناشی از رفتار بشری خود به سه دسته تقسیم می‌شود: (۱) قربانی واقع شدن ساختاری (۲) قربانی شدن به‌وسیله جرم (۳) قربانی شدن به‌وسیله رفتار خسارت‌بار و خطاها یا سایر اعمالی که مجرمانه نیستند. یافته‌های علمی نشان می‌دهند که شخصیت اصلی انسان در سنین تولد تا ۱۵ سالگی شکل می‌گیرد و جرائم و کجروی‌های اجتماعی و یا کامیابی‌ها و موفقیت‌های آینده افراد ریشه در این دوره سنی دارند؛ به همین جهت، بر اساس نظام حقوقی بشر، اقداماتی در مورد کودکان جرم محسوب می‌شود که در حقوق کلاسیک جرم تلقی نمی‌شد. احتمال بزه دیدگی برخی از افراد به لحاظ ویژگی‌های خاصی که دارند، بیش از سایرین است. بنابراین، می‌توان این گروه را بزه دیدگان مستعد، بالقوه یا آسیب‌پذیر معرفی نمود. از کودکان به دلیل وضعیت و موقعیت آسیب‌پذیری که به لحاظ جسمی، روانی و اجتماعی از آن برخوردارند، به‌عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیر» یا «افراد دارای پیش زمینه بزه دیدگی» یا «بزه برخوردارند، به‌عنوان «افراد بالقوه آسیب‌پذیر» یا «افراد دارای پیش زمینه بزه دیدگی» یا «بزه دیدگان بالقوه» نام می‌برند. اصولاً به دلیل همین وضعیت بیشتر آسیب‌پذیر آن‌ها، در مقایسه با افراد بزرگسال است، که قانون‌گذاران برای جلوگیری از بزه دیدگی آن‌ها چه درون خانواده چه در اجتماع به مقرر نمودن حمایت‌های کیفری افتراقی ویژه از آن‌ها مبادرت ورزیده‌اند. بی‌توجهی و آزار نسبت به کودک، زیر مجموعه سوءرفتار با کودک قرار می‌گیرند، بی‌توجهی عبارت است از ترک فعلی که از سوی پدر، مادر یا مراقبت‌کننده‌ی کودک، ارتکاب می‌یابد.

زنان از جمله افسار آسیب‌پذیر هستند، موضوع حقوق زنان از جمله موضوعاتی است که در نظام‌های مختلف موضع‌گیری‌های متفاوتی نسبت به آن اتخاذ شده و مکاتب و جوامع بشری در طول تاریخ با توجه به مجموعه‌ای از اصول و شرایط حاکم، برداشت خاصی را نسبت به آن بیان داشته‌اند، به گونه‌ای که در بعضی از تمدن‌ها زن از کم‌بها ترین موجودات و فاقد هر گونه حق و حقوقی محسوب شده و به آن صرفاً به‌عنوان کالایی قابل تملک نگریسته شده است در مقابل در بعضی از مکاتب یا ادوار تاریخی مشخص، زنان دارای شأن و مرتبه‌ای فراتر از مردان بوده‌اند.

فرآیند افتراقی‌سازی سیاست جنایی، ضمن متحول کردن اصول و راهبردهای آن، به متکثر شدن گفتمان سیاست کیفری قانون‌گذار در قلمرو حقوق کیفری ماهوی و شکلی انجامید. به‌طور معمول افتراقی‌سازی سیاست جنایی در سه محور جرائم، بزه‌کاران و بزه دیدگان محقق خواهد شد. سیاست جنایی ابتدا دایره مدار بزه تنظیم می‌گردید و بعد از مدتی با تولد رشته جرم‌شناسی بدین سان عصر مجرم‌مداری در عرصه حقوق جزا آغاز گردید. لذا سیاست‌گذاران تأکید خود را در تنظیم قوانین و مقررات بر روی مجرم معطوف می‌نمودند. بعد از کمتر از یک سده، پژوهش‌ها در حل معمای جرم به سمت روی دیگر بزه یعنی بزه دیده معطوف گردید، به گونه‌ای که نقش، سهم، شخصیت، منش وی در تکوین جرم را برآورد نماید. حقوق ایران به دلیل جنبه جزمیت آن کمتر تحت تاثیر جنبه‌های افتراقی‌سازی قرار گرفته است. حال آنکه با توجه به نظریه‌های علمی که وجود دارد به منظور تحقق عدالت کیفری، تاثیر گذاری این نظریه‌ها در سیاست گذاری می‌بایست مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. نظام کیفری کلاسیک نیز روی هم رفته نقش محدودی به بزه دیده در مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری میدهد. هدف این مقاله بررسی و بیان تفاوت‌های موجود در حمایت کیفری از افراد آسیب‌پذیر دو کشور ایران و فرانسه است.

^۱. victimization

مبانی نظری

ضرورت های حمایت کیفری از اشخاص آسیب پذیر

وضعیت اشخاص آسیب پذیر

با توجه به دشواری هایی که بزه دیدگان از لحاظ آثار بزه دیدگی به لحاظ ویژگی های مربوطه خود، با آن ها درگیر می باشند، می توان چهار گروه بزه دیدگی ناشی از سن (کودکان و سالمندان) بزه دیدگی بر اساس معیار آسیب شناسانه جنسی (زنان بزه دیده)، بزه دیدگی ناشی از ناتوانی (ناتوانان جسمی و ناتوانان روانی) و بزه دیدگی ناشی از اقلیت (قومی، مذهبی، نژادی) را بیان نمود. در واقع کودکان و سالمندان، زنان، ناتوانان (جسمانی - روانی) و اقلیت های بزه دیده گروه های آسیب پذیر، جامعه هستند که به علت وضعیت خاص جسمانی، روانی و موقعیت سیاسی - اجتماعی آماج طیف وسیعی از جرائم قرار دارند. با پیدایش بزه دیده شناسی در نیمه سده بیستم، علوم جنایی دستخوش تحولات زیاد شد. نظریه «شتاب دهنده بزه دیده به گونه شناسی بزه دیده منجر شد که پیش از آن در جرم شناسی سابقه ای نداشت. این گونه شناسی بر پایه شاخص هایی مانند سن، جنس، وضعیت جسمانی - روانی و موقعیت سیاسی - اجتماعی بزه دیده انجام می گرفت. در این چارچوب، کودکان و سالمندان از بزرگسالان بر پایه معیار سن، زنان به واسطه آسیب پذیری جنسی، ناتوانان به لحاظ وضعیت آسیب زای جسمانی و روانی و اقلیتها (قومی، مذهبی، نژادی) به جهت موقعیت و جایگاه سیاسی - اجتماعی، از هم تفکیک می شوند. افزون بر نقش تاثیر گذار این شاخص ها در فرآیند گذار قصد به رفتار به منزله عوامل جرم زا، معیار آسیب پذیری این چهار گروه در برابر بزه دیدگی هم مورد توجه قرار می گیرد.

ضرورت حمایت کیفری از اطفال

اهمیت دوران کودکی به عنوان دوران شکل گیری شخصیت انسان، ایجاب می کند که نظام دادرسی ویژه ای با پذیرش نیازها و احساسات کودک در رسیدگی به جرائم ارتكابی بر علیه او اعمال می شود. کودکان به جهت وضعیت آسیب پذیری، که به لحاظ جسمانی، روحی، روانی و اجتماعی ناشی از سن خود، در آن به سر می برند به عنوان افراد بالقوه آسیب پذیرتر، از دیگر افراد در برابر بزه دیدگی محسوب می شوند. بزه دیدگی آینده سازان فردای جامعه، نقطه شروعی جهت دور شدن آن ها از کنش و واکنش های اجتماعی و به عبارتی، پیدا کردن تصویری منفی از خود و در پی آن کاهش عزت نفس و اعتماد به نفس آن ها است. کودکان با وقوع این ناهنجاری های اجتماعی، کرامت و ارزش انسانی خود را از دست رفته و جایگاه و روابط اجتماعی خود را چه در خانواده و چه در جامعه پیرامون از هم گسیخته می پندارند. به همین خاطر قانونگذار بایستی در مسیر بازسازی این وضعیت آشفته و احیای روابط پیشینی کودک با اعضای خانواده و اجتماع فرصت مناسب را فراهم نماید. دادرسی کیفری ویژه کودکان بزه دیده از اساسی ترین جنبه های حقوق بشر در دنیای امروز محسوب می شوند که خود ریشه در کرامت انسانی دارد. سن، یک خصوصیت فردی انتقالی و نشان از گذار است، چنانچه نوع رفتار و واکنش هر فردی نسبت به محیط و اطرافیان خود از یک دوره سنی به دوره سنی دیگر متغیر می باشد. به این ترتیب، حقوق و تکالیف افراد و انتظارات جامعه از آنان، به اقتضای خصوصیات جسمانی - روانی در دوران سنی گوناگون متفاوت می باشد. (رحیمی، ۱۳۹۵، ص: ۵۱)

ضرورت حمایت کیفری از زنان

یافته‌های جرم‌شناختی و بزه دیده‌شناسی نشان می‌دهد که زنان به علت ضعف قوای جسمانی و وضعیت اجتماعی خاصی که دارند در چارچوب بزه دیدگان آسیب‌پذیر قرار دارند. عدول مثبت از اصل تساوی افراد در برابر قانون کیفری با مقرر کردن حمایت کیفری افتراقی و بیشتر از زنان، از طریق ساز و کار جرم‌انگاری‌های ویژه بعضی رفتارها و تشدید کیفر بزهکارانی که بزه دیده آن‌ها زن است یکی از راهکارهایی می‌باشد که قانونگذاران کیفری برای بالا بردن هزینه و بهای این جرائم و کاهش احتمال بزه دیدگی آن‌ها اتخاذ کرده است. یکی از مطالبی که هانس فون هانتی آلمانی در کتاب «بزهکار و قربانی او» خود، در فصل چهارم کتاب مورد توجه قرار داده است، اصطلاح «پیش زمینه‌های بزه دیده» می‌باشد که شخص را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد. از نظر وی زنان جزء گروهی از بزه دیدگان به شمار می‌آیند که از آن‌ها به‌عنوان زیر هنجار ۲ نام می‌برد که پیش زمینه و استعداد قبلی جهت بزه دیده واقع شدن را دارند. استعداد یا پیش زمینه بزه دیدگی زنان را می‌توان هم در درون خانه و هم بیرون از آن بررسی نمود. در بیرون از خانه به خاطر ویژگیهای خاص زیست‌شناختی، بانوان را مورد مناسبی برای بزهکاران بالقوه قرار می‌دهد، که ممکن است در تیررس تعرضات جسمی و تجاوزات جنسی قرار گیرند. در درون خانه هم به علت بالا بودن «رقم سیاه بزهکاری خوشونت‌های خانوادگی آسیب‌پذیری زنان افزایش یافته است. بر مبنای تحقیقاتی که در آمریکا در سال ۱۹۶۷ انجام شد بیش از $\frac{1}{2}$ بزه دیدگان در همه زمینه‌ها، هرگز قصد نداشتند بزه دیدگی خود به مقامات و مراجع رسمی اعلام نمایند. (رحیمی، ۱۳۹۵، ص: ۵۹)

از لحاظ آماری هم زنان بیشترین تعداد بزه دیدگان در خانواده و بیرون از آن را تشکیل می‌دهند. در بیشتر قتل‌هایی که رخ می‌دهد یک ارتباط خانوادگی وجود دارد و در این میان زنان بیش از مردان قربانی شده‌اند. پژوهشی در سال ۱۹۷۵ انجام شد نشان داد که از بین ۱۰۷ قتل عمدی که در محیط خانواده صورت گرفته بود، در ۴۷ مورد مقتول زن بوده است. برطبق نظرسنجی از قضات باتجربه دادگاه کیفری، وجود رابطه خویشاوندی در بیشتر پرونده‌های کیفری قتل عمد که بزه دیده آن‌ها یک زن بوده وجود داشته و بیشتر زنان به دنبال یک خشونت خانوادگی و به خصوص توسط شوهران یا خویشاوندان خود به قتل رسیدند. در بررسی دیگر که در مورد قتل در ایران به کمک دفتر مطالعات و تحقیقات اجتماعی دادستانی کل کشور صورت گرفت، ثابت شده که تقریباً بیشترین نسبت قتل در رابطه با مسایل جنسی ناموسی است. این نسبت در کل کشور تا ۲۰ درصد قتل‌ها را در بر می‌گیرد، اما در بعضی از استانها امکان دارد نسبت بیشتری را در بر گیرد. موارد نقض مکرر حقوق زنان در جهان و این عقیده که اعلامیه جهانی حقوق بشر که اعلامیه ای اخلاقی می‌باشد و نه حقوقی، موجب شد؛ اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۶۷ یعنی آذرماه ۱۳۵۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل برسد قطعنامه XXII ۲۲۶۳ مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۷ که در آینده موجب شد در سال ۱۹۹۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای اولین بار کنوانسیون را که در بردارنده حجم گسترده‌ای از مسائل مربوط به نقش و موقعیت زنان در جامعه می‌باشد، تحت عنوان کنوانسیون محو هرگونه تبعیض علیه زنان که اغلب از آن به‌عنوان «منشور بین‌المللی حقوق زنان» یاد می‌شود قبول نمایند. (رحیمی، ۱۳۹۵، ص: ۶۰).

² subnormal

ضرورت حمایت کیفری از افراد سالخورده

سالمندی یک فرآیند زیستی می‌باشد که همه موجودات زنده از جمله انسان را مشمول می‌شود. سالمندی در واقع یک مسیر طبیعی می‌باشد که در آن بخشی از تغییرات فیزیولوژیکی و روانی در بدن اتفاق می‌افتد. با قاطعیت می‌توان بیان نمود: با افزایش سن، تغییرات اساسی در جسم به وجود می‌آید اما از سوی دیگر شاهد آن می‌باشیم که عده ای افراد در ۴۰ یا ۵۰ سالگی عوارض و نشانه‌های دوران سالمندی را بروز می‌دهند و بر عکس عده ای در ۸۰ سالگی شاداب و سر حال می‌باشند. دو، سنی که در یک کشور سن و سال پیری در نظر گرفته شده است، امکان دارد در جامعه دیگر سن پیری محسوب نشود. در نتیجه، تعیین هرگونه حد سنی برای آغاز سالخوردگی یا پیری امکان دارد ساختگی یا غیر واقعی باشد. دلیل آن، تفاوت آشکاری است که افراد از لحاظ زمینه‌های ارثی، سلامت جسمانی و روانی، تجربیات قبلی، روش زندگی، نوع تغذیه و به‌طور کلی پایگاه اجتماعی - اقتصادی وجود دارد. پس، پیری یک امر نسبی می‌باشد و بر حسب زمان و مکان تفاوت دارد. (رحیمی، ۱۳۹۵، ص: ۵۷)

ضرورت حمایت کیفری از اقلیتها

احترام به حقوق اقلیت‌ها و تلاش در رفع تبعیض و نقض حقوق حقه‌ی آنان، یکی از مسائل مورد توجه حقوق بشر در سراسر جهان است. اقلیت‌های قومی، زبانی، نژادی و دینی با گرایش‌های مختلف در همه کشورهای دنیا وجود دارد. به جرأت می‌توان بیان نمود امروزه نمی‌توان کشوری را یافت که تمام تابعین آن یکدست باشند و در آن کشور، اقلیت معنا و مفهومی نداشته باشد. در این نوع بزه دیدگی، اشخاص به علت جایگاه سیاسی - اجتماعی ویژه‌ای که از آن برخوردارند آماج رفتارهای بزهکارانه قرار می‌گیرند. ماهیت بزه‌های ارتكابی نسبت به اقلیتها، آن دسته از جرایمی هستند که برخاسته از جایگاه سیاسی - اجتماعی آنهاست. در مفهوم لغوی، واژه اقلیت به معنای «کم بودن»، «قسمت کمتر» و در اصطلاح «گروهی از افراد یک کشور یا یک شهر می‌باشند که از لحاظ دین و مذهب یا نژاد، از اکثریت متمایز است. در ادبیات حقوقی اقلیت گروهی از اتباع یک کشور می‌باشد. که از لحاظ ملی، نژادی زبانی یا مذهبی از سایر گروه‌های مردم متمایز دارد، از لحاظ تعداد کمترند و قدرت حکومت را هم در دست ندارند. در مفهوم حقوقی بایستی دو دسته عناصر عینی و ذهنی قابل توجه است. عنصر عینی به دو مقوله عدد (کمیت) و تسلط (حاکمیت) در بر دارد و عنصر ذهنی مربوط به مسئله اراده مشترک گروه بر حفظ ویژگی‌های اختصاصی آنها استوار است. (رحیمی، ۱۳۹۵، ص: ۶۶)

تعرضات علیه تمامیت جسمانی یا روانی شخص

اعمال شکنجه و رفتارهای وحشیانه: در ماده ۱-۲۲۲ به تعریف رفتار وحشیانه می‌پردازد و بیان می‌دارد: «اقدام به تحت شکنجه یا رفتارهای وحشیانه گذاردن اشخاص، مستوجب ۱۵ سال حبس جنایی با کار است. دو شق نخست ماده ۲۳-۱۳۲ در خصوص مدت زمان تأمین نسبت به جرم پیش بینی شده در ماده کنونی قابل تسری است» (گودرزی بروجردی و همکار، ۱۳۹۵، ص: ۱۶۶-۱۶۷)

ماده ۳-۲۲۲ قانون جزای فرانسه مقرر می‌دارد: «جرم تعریف شده در ماده ۱-۲۲۲ به هنگامی که به صورت زیر ارتکاب یافته باشد مستوجب ۲۰ سال حبس جنایی با کار است:

۱. نسبت به کودکی زیر ۱۵ سال

۲. نسبت به یکی از والدین قانونی یا طبیعی یا نسبت به نرد خوانندگان یا مادر خوانندگان
۳. نسبت به شخصی که آسیب‌پذیری خاص ناشی از سن، بیماری، معلولیت، نقص جسمی یا روانی یا حالت بارداری او برای مباشر جرم روشن یا شناخته شده باشد.
۴. (قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳) نسبت به یک قاضی، یک عضو هیات منصفه یک وکیل، یک مامور عمومی یا وزارت، یک نظامی وابسته به ژاندرمری، یک کارمند پلیس ملی، کارکنان گمرک، اداره زندان‌ها یا هر شخص دیگری که وابسته به حاکمیت عمومی است، یک مامور آتش نشاین حرفه‌ای یا داوطلب، یک نگهبان سوگند خورده‌ی ساختمان یا دسته‌های ساختمانی یا ماموری که از جانب یک موجد وظایف نگهبانی یا نظارت بر اموال مورد استفاده‌ی قابل سکونت را در اجرای ماده‌ی ۱-۱۲۷-L از قانون ساختمان و سکونت بر عهده دارد، به مناسبت انجام وظایفشان و به هنگامی که ویژگی‌های بزه دیده برای مرتکب روشن یا شناخته شده باشد
- ۴ مکرر- نسبت به همسر، والدین، و اجداد در خط مستقیم اشخاص ذکر شده در بند ۴ نسبت به هر شخص زنده‌ی دیگری که به‌طور معمول در اقامتگاه اوست به دلیل وظایف صورت گرفته‌اش توسط شخص اخیر
- ۴ مکرر: نسب به مامور متصدی شبکه‌ی حمل و نقل عمومی به مسافران یا هر شخص دیگری که متصدی یک ماموریت به خدمت عمومی است و نیز نسبت به متصدیان مشاغلان بهداشتی در اجرای وظایفشان و به هنگامی که ویژگی‌های بزه دیده برای مرتکب روشن یا شناخته شده باشد؛
۵. نسبت به شاهد یا بزه دیده، یا مدعی خصوصی خواه به دلیل مانع شدن از اعلام وقایع ارتكابی، تقدیم شکوائیه یا مراجعه به دادگستری خواه به دلیل اعلام جرم یا شکایت یا مراجعه‌اش به دادگستری، (قانون سوم فوریه ۲۰۰۳)
- ۵ مکرر- به دلیل تعلق یا عدم تعلق واقعی یا خیالی بزه دیده به یک قوم، ملت، نژاد، یا مذهب مشخصی، (قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳)
- ۵ مکرر- به دلیل موقعیت جنسی بزه دیده؛ (قانون ۹ مارس ۲۰۰۴)
۶. به‌وسیله همسر قانونی یا طبیعی بزه دیده
۷. توسط شخصی که امانت دار قدرت عمومی یا متصدی ماموریتی به خدمات عمومی در اجرا یا به مناسبت اجرای ماموریت‌اش باشد
۸. به‌وسیله‌ی اشخاص چندی در همکاری با می‌باشد یا معاون جرم
۹. همراه با سبق تصمیم
۱۰. با استفاده از تهدید یا سلاح
- جرم تعریف شده در ماده ۱-۲۲۲ نیز به هنگامی که همراه با تهاجم جنسی به غیر از تجاوز/ هتک ناموس به عنف ارتکاب یافته باشد. مستوجب ۲۰ سال حبس جنایی با کار است.
- کیفر قانونی به هنگامی که جرم تعریف شده در ماده ۱-۲۲۲ نسبت به یک کودک زیر ۱۵ سال به‌وسیله والدین قانونی یا طبیعی یا پدر خوانده و مادر خوانده یا هر شخص دیگری که نسبت به کودک اختیار قانونی دارد، ارتکاب یافته باشد به ۳۰ سال حبس جنایی با کار افزایش می‌یابد. دو شق نخست ماده ۲۳-۱۳۲ در خصوص مدت زمان تأمین جرائم به پیش بینی شده در ماده کنونی قابل تسری است.» (گودرزی بروجردی و همکار، ۱۳۹۵، ص: ۱۶۲-۱۶۳)

تعرضات به حیات شخص

قانونگذار فرانسه در مبحث نخست با عنوان تعرضات ارادی به حیات در ماده ۴-۲۲۱ مقرر می‌دارد: «قتل به هنگامی که به صورت زیر ارتکاب یافته باشد، مستوجب حبس جنایی دائمی با کار است:

۱. نسبت به کودکی که زیر ۱۵ سال،
 ۲. نسبت به یکی از والدین قانونی یا طبعی یا نسبت به پدر و خواندگان یا مادر خواندگان
 ۳. نسبت به شخصی که آسیب‌پذیری خاص ناشی از سن، بیماری، معلولیت، نقص جسمی، یا روانی، یا حالت بارداری او برای مباشر جرم روشن و شناخته شده باشد.
 ۴. (قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳) نسبت به یک قاضی یک عضو هیات منصفه یک وکیل یک مامور عمومی، یا وزارتی، یک نظامی وابسته به ژاندارمری، یک کارمند حاکمیت عمومی است. افزون بر اینها نسبت به یک مامور آتش نشانی حرفه این یا داوطلب یک نگهبان سوگند خورده یا ساختمان یا واحدهای ساختمانی یا ماموری که از جانب یک موجد وظایف نگهبانی یا نظارت بر اموال مورد استفاده قابل سکونت را در اجرای ماده ۱-۱۲۷-L از قانون ساختمان و سکونت ر بر عهده درد در اجرای یا به مناسبت انجام وظایفشان به هنگامی که ویژگی‌های بزه دیده بریا مرتکب روشن یا شناخته شده باشد.
 - ۴ مکرر ۱: نسبت به یک معلم/استاد یا سایر کارکنان موسسه های آموزشی، نسبت به مامور متصدی شبکه ی حمل و نقل عمومی، به مسافران یا هر شخص دیگری که متصدی یک ماموریت به خدمت عمومی است و نیز نسبت به متصدیان مشاغل بهداشتی در اجرای وظایفشان و به هنگامی که ویژگی‌های بزه دیده برای مرتکب روشن یا شناخته شده باشد،
 - ۴ مکرر ۲: نسبت به همسر، والدین و اجداد در خط مستقیم اشخاص ذکر شده در بند ۴ یا نسبت به هر شخص زنده ی دیگری که به‌طور معمول در اقامتگاه اوست به دلیل انجام وظایف اش توسط شخص اخیر
 ۵. نسبت به شاهد یا بزه دیده، یا مدعی خصوصی خواه به دلیل مانع شدن از اعلام وقایع ارتكابی، تقدیم شکوائیه یا مراجعه به دادگستری خواه به دلیل اعلام جرم یا شکایت یا مراجعه اش به دادگستری (قانون سوم فوریه ۲۰۰۳)
 ۶. به دلیل تعلق یا عدم تعلق واقعی یا خیالی بزه دیده به یک قوم، ملت، نژاد، یا مذهب مشخص؛ (قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳)
 ۷. به دلیل موقعیت جنسی بزه دیده (قانون ۹ مارس ۲۰۰۴)
 ۸. به‌وسیله اشخاص چندی که در یک دسته سازمان یافته کار می‌کنند.
- دو شق نخست ماده ۲۳-۱۳۲ در خصوص مدت زمان تامین نسبت به جرائم پیش بینی شده در ماده ی کنونی قابل تسری است. با این همه هنگامی که بزه دیده زیر ۱۵ سلا باشد و قتلی رخ دهد یا همراه با یک هتک ناموس به عنف، شکنجه یا رفتارهای وحشیانه باشد، دیوان جنایی می‌تواند به موجب تصمیم خاص، خواه با افزایش مدت زمان تامین به ۳۰ سالف خواه اگر حبس جنایی دائم با کار را مورد حکم قرار داده، تصمیم بگیرد که هیچ یک از تدابیر ذکر شده در ماده ۲۳-۱۳۲ نتوانند نسبت به محکوم مورد موافقت قرار گیرند. بنابراین در صورت تخفیف کیفر، و جز در مواردی که فرمان عفو خصوصی به گونه ی دیگری مقرر نکرده باشد، مدت زمان تامین برابر با مدت زمان کیفر پس از اقدام به عفو خصوصی است». (گودرزی بروجردی و همکار، ۱۳۹۵، ص: ۱۵۰-۱۵۲)

کمک به وصول خسارات و ضرر و زیان برای بزه دیدگان

«۱-۱۵-۷۰۶. هر شخص حقیقی که با اقامه دعوی خصوصی، از تصمیم قطعی که با جبران خسارت و ضرر و زیان ناشی از جرم موافقت می کند، منتفع شده است اما نتوانسته در اجرای مواد ۳-۷۰۶ یا ۱۴-۷۰۶ غرامت خود را بدست آورد، می تواند برای وصول این خسارات و ضرر و زیان و مبالغ مربوط به آن‌ها در اجرای مواد ۳۷۵-۱ یا ۴۷۵-۱ درخواست مساعدت نماید. اگر مرتکب جرم، موضوع الزام به جبران خسارت بزه دیده در چارچوب مجازات ترمیمی، تعلیق آزمایشی، تصمیم به اصلاح مجازات با آزادی مشروط قرار گیرد، این مساعدت می تواند درخواست گردد.»

«۲-۱۵-۷۰۶. در صورت عدم پرداخت ارادی خسارات و ضرر و زیانی که مبلغ آن در اجرای مواد ۳۷۵-۱ یا ۴۷۵-۱ تعیین شده است، توسط شخص محکوم ظرف مدت دو ماه از تاریخ قطعیت تصمیم خسارات و ضرر و زیان، مدعی خصوصی می تواند صندوق تضمین بزه دیدگان اعمال تروریستی و دیگر جرائم را برای مساعدت در وصول مورد درخواست قرار دهد.

برای جلوگیری از بطلان، درخواست مساعدت در وصول باید ظرف مدت یک سال تاریخ قطعیت تصمیم ارائه گردد. با این وجود، صندوق تضمین می تواند بزه دیده را از بطلان درخواست به هر دلیل مشروعی مطلع سازد. در صورت رد اعتراض توسط صندوق، بزه دیده می تواند توسط رییس دادگاه شهرستان که با صدور قرار درباره درخواست تصمیم گیری می نماید از بطلان مطلع گردد. در صورت عدم پذیرش درخواست در ماه های بعد از تصمیم رد ارائه می گردد. بزه دیده موظف است صندوق را از هر اطلاعاتی که وصول طلب را تسهیل می نماید، مطلع سازد. به تنهایی یا همراه با بدهکار، بزه دیده می تواند از مساعدت در وصول چشم پوشی کند. با این وجود، هزینه های تحمیلی به صندوق قابل وصول است.» (تدین، ۱۳۹۱، ص: ۴۱۰)

حمایت از اشخاص منتفع از معافیت یا تخفیف مجازات

«حمایت از اشخاص منتفع از معافیت یا تخفیف مجازات به علت جلوگیری از جرم یا توقف آن یا کاهش خسارات ناشی از جرائم یا شناسایی مرتکبین یا معاونین جرم

۷۰۹ - ۶۳ - ۱. اشخاص مذکور در ماده ۷۸-۱۳۲ قانون جزا، تا آنجا که ضرورت دارد، موضوع حمایت خاص برای تضمین امنیت آن‌ها قرار می گیرند. آن‌ها همچنین می توانند از تدبیر خاص تضمین کننده بازپروری منتفع گردند. در صورت ضرورت، این اشخاص می توانند با دستور موجه صادره از سوی رییس دادگاه شهرستان، از هویت مستعار استفاده کنند.

مجازات افشای هویت مستعار این اشخاص، تا پنج سال حبس و ۷۵۰۰۰ یورو جزای نقدی است. هر گاه این افشاء به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، باعث خشونت، ضرب و جرح علیه این اشخاص یا وابستگان، اطفال و نیاکان مستقیم آن‌ها گردد، مجازات به هفت سال حبس و ۱۰۰۰۰۰ یورو جزای نقدی افزایش می یابد. هر گاه این افشاء مستقیم و غیر مستقیم، باعث مرگی این اشخاص یا وابستگان، اطفال و نیاکان مستقیم آن‌ها گردد، مجازات ده سال حبس و ۱۵۰۰۰۰ یورو جزای نقدی است.

تدابیر حمایتی و بازپروری به درخواست دادستان شهرستان، توسط کمیسیون ملی که ترکیب و شیوه عملکرد آن توسط آیین نامه شورای دولتی مشخص می گردد، تعریف می گردد. این کمیسیون الزاماتی که باید شخص رعایت کند را تعیین می کند و استمرار تدابیر حمایتی و بازپروری که این کمیسیون می تواند آن‌ها را تغییر دهد یا همواره به آن‌ها پایان دهد را تضمین می

^۲ تدین، عباس، (۱۳۹۱)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، انتشارات خرسندی، چاپ اول: ص ۴۱۰

کند. در صورت فوریت، واحد های صالح، تدابیر ضروری را اتخاذ می کنند و فوراً کمیسیون ملی را از آن مطلع می کنند. مقررات ماده حاضر برای اعضای خانواده و نزدیکان اشخاص مذکور در قابل اجرا است.» (تدین، ۱۳۹۱، ص: ۴۴۶)

ماده ۷۸-۱۳۲ قانون جزای فرانسه مقرر می دارد: «(الحاقی به موجب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴) شخصی که اقدام به ارتکاب جنایت یا جنحه ای می نماید، در موارد پیش بینی شده به موجب قانون اگر مقام اداری یا قضایی را آگاه نماید، که اجازه ی اجتناب از تحقق جرم و در صورت مقتضی شناسایی دیگر شرکاء و معاونان جرم را داشته باشد از کیفر معاف می شود. در موارد پیش بینی شده به موجب قانون، دواران کیفر سالب آزادی قانونی شخصی که مرتکب جنحه یا جنایتی شده ولی مقام اداری یا قضایی را آگاه نماید که آن ها اجازه ی متوقف ساختن جرم به منظور اجتناب از ایجاد خسارت را بدهد، یا دیگر شرکاء و معاونان جرم را معرفی نماید، تخفیف می یابد. مفاد شق پیشین همچنین به هنگامیکه شخص اجازه ی خواه اجتناب از تحقق یک جرم مرتبط با همان ماهیتی که جنایت یا جنحه به خاطر آن تعقیب شده، خواه متوقف ساختن چنین جرمی برای اجتناب از آنکه زبانی ایجاد نکند یا با معرفی شرکاء معاونان جرم، را می دهد، اعمال می شود. هیچ محکومیتی نمی تواند تنها بر اساس اظهارات شخصی که موضوع مفاد ماده کنونی باشد، مورد حکم قرار گیرد.» (گودرزی بروجردی و همکار، پیشین، صص: ۱۲۵-۱۲۶)

در حقوق جزای فرانسه در ماده ۳-۴۳۴ قانون جزای این کشور مقرر می دارد: «اقدام هر کس با علم به سوء رفتار ... یا تعرضهای جنسی تحمیلی به کودک نوباوه تا ۱۵ سال یا به شخصی که به دلیل سن، بیماری یا ناتوانی، نقصان جسمی یا روانی یا وضعیت حاملگیاش قادر به حفاظت از خود نیست، با عدم اطلاع رسانی به مقامهای قضایی یا اداری، مستوجب ۳ سال حبس ساده و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی است... (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰، ص: ۳۳۶)

پیشینه تحقیق

۱. حیدری در سال ۱۳۹۴، در پژوهشی تحت عنوان: قانونگذار کیفری و ضرورت حمایت افتراقی از کودکان بزه دیده پرداخت و بیان داشت:

کودکان به دلیل شرایط خاص فیزیکی و عدم رشد کامل قوای ذهنی بیش از سایر افراد جامعه در معرض خطر بزه دیدگی قرار داشته و از این رو در طیف بزه دیدگان آسیب پذیر قرار می گیرند. بر این اساس نیازمند نگاه افتراقی و ویژه قانونگذار کیفری می باشند. قانونگذار ما در قانون مجازات اسلامی در موارد خاصی این امر را مورد توجه قرار داده است. در مقاله حاضر برآنیم تا ضمن ارائه تعاریفی از بزه دیدگی و اطفال بزه دیده به اختصار مهمترین جلوه های این نگاه افتراقی را مورد بررسی قرار دهیم.

۲. نثاری جوان، در سال ۱۳۹۷، در پژوهشی تحت عنوان: حمایت کیفری از کودکان بزه دیده جرائم جنسی در نظام کیفری ایران، پرداخت و بیان داشت:

جرائم جنسی که در زمره قدیمی ترین بزه ها در تاریخ حقوق جنایی محسوب می شوند، با نقض کرامت انسانی، پیامدهای بسیاری را بر بزه دیدگان این قلمرو وارد می کنند. از یک سو، یافته های مطالعات جرم شناسی نشان می دهد که یکی از اقسام مهم بزه دیدگی کودکان به مثابه قشر آسیب پذیر جامعه، بزه دیدگی در قلمروی جرائم جنسی است. از سوی دیگر، یافته های پژوهش های انجام شده در رشته مطالعاتی روان شناسی ثابت کرده است که بزه دیدگی جنسی کودکان پیامدهایی چون افسردگی، بزهکاری جنسی در آینده، اختلالات رفتاری و ... را به همراه خواهد داشت. از این رو، به نظر می رسد که در کنار حمایت های پیشگیرانه، حمایت کیفری از کودکان قربانی جرائم جنسی نیز دارای اهمیت بسیار باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است تا حمایت کیفری از بزه دیدگان کودک جرائم جنسی را در دو قالب رویکردهای حقوق کیفری ماهوی و

شکلی بررسی کند. از این رو، در حمایت کیفری ماهوی دو چشم انداز جرم انگاری افتراقی و کیفرگذاری حمایتی و در حمایت کیفری شکلی، دادرسی حمایتی و افتراقی و نظام ادله اثبات مبتنی بر اقناع وجدان قاضی به مثابه راهبردهای اصلی مورد توجه قرار می‌گیرند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظام کیفری ایران در جهت حمایت کیفری از کودکان بزه دیده جرائم جنسی دارای رویکرد منسجمی نیست.

۳. بوستانی زاده در سال ۱۳۹۷، در پژوهشی تحت عنوان: حمایت کیفری از کودکان بزه دیده و بزهکار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نپرداخت و بیان داشت:

در نظام حقوقی هر کشور سیاست کیفری و جنایی در مورد اطفال و نوجوانان از مباحث مهم بشمار میرود زیرا اقتضاء دوره کودکی ایجاب میکند که سیاست جنایی متمایزی از بزرگ سالان باشد و به تناسب سن و شرایط، با آنان برخورد شود. در نظام حقوقی ایران نیز حمایت‌هایی در قبال اطفال و کودکان بزهکار و بزه دیده صورت گرفته که در پژوهش حاضر به این موضوع پرداخته شده است. لذا اهداف علمی و کاربردی این پژوهش در بررسی و ارزیابی قوانین شکلی ایران و نیز سیاست جنایی ایران در قبال اطفال بزهکار و بزه دیده است. ابتدا با این بیان سوال که قوانین دادرسی جدید چه حمایت‌هایی در خصوص اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شده به بیان مسیله پرداخت شده است سپس با روشن کردن مفاهیم و تعاریف آن‌ها، هر یک از اشخاص معرفی می‌شوند و در ادامه به تعریف و بیان نظرات که شامل نظریات و تعاریف اندیشمندان و نظریه پردازان جرم‌شناسی، علوم اجتماعی، روانشناسی و... در خصوص بزه کاری و بزه دیدگی می‌باشد بیان شده است. سپس با مطالعه قوانین ماهوی به بحث در خصوص آن‌ها پرداخته شده است و ضمن بررسی قوانین و مقررات دادرسی کیفری مشخص می‌گردد که وضعیت قوانین ما در قبال حمایت از این قشر به چه شکل می‌باشد. از لحاظ روش تحقیق و روش تدوین این پژوهش روش توصیفی و تحلیلی و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری است.

۴. سالاری فر در سال ۱۳۹۶، در پژوهشی تحت عنوان: امنیت زنان بزه دیده در پرتو اتخاذ سیاست کیفری افتراقی، پرداخت و بیان داشت:

بزه دیدگی زنان یکی از اقسام بزه دیدگی محسوب می‌شود که در شاخه ی بزه دیده شناسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ به دلیل ویژگی‌های خاص زنانگی همانند خصوصیات جسمی و روحی، زنان در معرض بزه دیدگی بیشتری نسبت به مردان قرار می‌گیرند. به همین دلیل زنان در زمره بزه دیدگان بالقوه محسوب می‌شوند. با توجه به زمینه‌های بزه دیدگی بیشتر زنان، قانونگذاران کیفری تلاش دارند تا در دو بعد ماهوی و شکلی نوعی سیاست کیفری افتراقی در مورد زنان اتخاذ نمایند. در بعد ماهوی تعیین جرم انگاری‌های خاص و یا تعیین کیفر مشدد از قسام حمایت‌های ویژه مقنن کیفری از زنان است؛ در بعد شکلی نیز تسهیل فرایند حضور و دسترسی زنان به مراجع کیفری و یا حضور در نزد پلیس و یا دسترسی به خدمات ویژه، می‌تواند اتخاذ نوعی سیاست کیفری افتراقی نسبت به زنان باشد. قانونگذار ایران در بعد ماهوی توانسته است در پاره‌ای از موارد همچون جرم انگاری جرائم جنسی علیه زنان و یا جرائم علیه شخصیت معنوی آنان، سیاست کیفری افتراقی در این زمینه اتخاذ نماید که البته خالهای قانونی همچنان مشهود است؛ در بعد شکلی به نظر می‌رسد قانونگذار ایران، کمتر حمایتی افتراقی از زنان به عمل آورده است و در این خصوص قوانین نسبت به زنان بزه دیده همانند مردان بزه دیده است.

۵. فرجی‌ها و آذری در سال ۱۳۹۰، در پژوهشی تحت عنوان: حمایت کیفری از زنان قربانی تجاوز به عنف در حقوق ایران، پرداختند و بیان داشتند:

تجاوز به عنف را می توان یکی از نماد های تعارض جنسیت نامید. تفسیر ها و برداشت های ارائه شده از این جرم در نظام تقنینی و رویه های عملی نهاد های قضایی و پلیسی ایران، بیان گر سیطره گفتمان جنسیتی خاص در این حوزه است. این گفتمان ریشه بزه دیدگی زنان را در خود آنان جستجو می کند و آشنایی قبلی قربانی با بزهکار، پوشش نامناسب قربانی و تجربه های جنسی پیشین قربانی را مستمسکی برای عدم احراز عنف می داند. در این رویکرد زنان قربانی بیشتر به عنوان شریک رابطه جنسی تلقی می شوند تا قربانی تهاجم های جنسی و این نگرش باعث شده است بخش عمده ای از شکایات قربانیان این جرم در نظام پلیسی و قضایی به رسمیت شناخته نشود. محدوده و قلمرو مداخلات کیفری سنتی در حیطه تجاوز به عنف و عدم رعایت اصل تناسب در تعیین ضمانت اجراهای کیفری موجبات تضییع حقوق قربانیان این جرم و بلکه بزه دیدگی دومین ناشی از عمل کرد نهاد های عدالت کیفری را به دنبال داشته است. نتایج نارسایی های موجود در نظام ادله اثبات زنا ی توام با عنف و آکراه و بی توجهی به شواهد و دلایل علمی موجب ناتوانی قربانیان در اثبات ادعای خود شده و درپاره ای از موارد آنان را در معرض رابطه نامشروع قرار داده است.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی:

حقوق کیفری وظیفه دارد تا از اشخاص آسیب پذیر در برابر استثمار دیگران حفاظت کرده و با جرم انگاری با رفتارهایی که اشخاص آسیب پذیر را تحت سلطه قرار می دهند، مقابله کند.

فرضیه های فرعی:

- ۱- در نظام کیفری ایران، جرم خاصی توسط قانونگذار در راستای حمایت از اشخاص آسیب پذیر پیش بینی شده است.
- ۲- در نظام کیفری فرانسه در راستای حمایت از اشخاص آسیب پذیر جرایمی چون سوء استفاده استاد به شاگرد و زنان مهاجر پیش بینی کرده است.
- ۳- جلوگیری از اشخاص آسیب پذیر و همچنین جلوگیری از اضرار به آنها ایجاب می کند که حقوق کیفری از اشخاص آسیب پذیر در برابر استثمار دیگران حمایت کند.

نوع تحقیق

نوع تحقیق با توجه به اینکه محقق به دنبال بررسی چرایی حمایت کیفری از اشخاص آسیب پذیر است، بنیادی می باشد و همچنین از حیث بررسی مصادیق این حمایت در نظام کیفری ایران و فرانسه، توسعه ای می باشد.

روش تحقیق

روش نگارنده در این پژوهش روش توصیفی و تحلیلی است که محقق پس از بررسی مبانی و ضرورت حمایت کیفری از اشخاص پذیر، به توصیف مصادیق این حمایت در نظام کیفری ایران و فرانسه پرداخته و سپس تفاوت ها و تشابه های دو نظام را در این خصوص تحلیل و توصیف قرار خواهد داد. روش گردآوری اطلاعات، بصورت کتابخانه ای بوده است و ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری می باشد، به این صورت که کتب و مقالات نوشته شده و همچنین شبکه های کامپیوتری مرتبط با موضوع به دقت مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل و فیش بندی قرار گرفته؛ سپس این فیش ها مرتب و فصل بندی می گردد.

تعرضات علیه تمامیت جسمانی یا روانی شخص

اعمال شکنجه و رفتارهای وحشیانه

در ماده ۱-۲۲۲ به تعریف رفتار وحشیانه می پردازد و بیان می دارد: «اقدام به تحت شکنجه یا رفتارهای وحشیانه گذاردن اشخاص، مستوجب ۱۵ سال حبس جنایی با کار است. دو شق نخست ماده ۲۳-۱۳۲ در خصوص مدت زمان تأمین نسبت به جرم پیش بینی شده در ماده کنونی قابل تسری است» (گودرزی بروجردی و همکار، ۱۳۹۵، ص: ۱۶۶-۱۶۷)

ماده ۳-۲۲۲ قانون جزای فرانسه مقرر می دارد: «جرم تعریف شده در ماده ۱-۲۲۲ به هنگامی که به صورت زیر ارتکاب یافته باشد مستوجب ۲۰ سال حبس جنایی با کار است:

۱. نسبت به کودکی زیر ۱۵ سال
۲. نسبت به یکی از والدین قانونی یا طبیعی یا نسبت به نرد خوانندگان یا مادر خواندگان
۳. نسبت به شخصی که آسیب پذیری خاص ناشی از سن، بیماری، معلولیت، نقص جسمی یا روانی یا حالت بارداری او برای مباشر جرم روشن یا شناخته شده باشد.
۴. (قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳) نسبت به یک قاضی، یک عضو هیات منصفه یک وکیل، یک مامور عمومی یا وزارتی، یک نظامی وابسته به ژاندرمری، یک کارمند پلیس ملی، کارکنان گمرک، اداره زندان ها یا هر شخص دیگری که وابسته به حاکمیت عمومی است، یک مامور آتش نشاین حرفه ای یا داوطلب، یک نگهبان سوگند خورده ی ساختمان یا دسته های ساختمانی یا ماموری که از جانب یک موجد وظایف نگهبانی یا نظارت بر اموال مورد استفاده ی قابل سکونت را در اجرای ماده ی ۱-۱۲۷-L از قانون ساختمان و سکونت بر عهده دارد، به مناسبت انجام وظایفشان و به هنگامی که ویژگی های بزه دیده برای مرتکب روشن یا شناخته شده باشد
- ۴ مکرر- نسبت به همسر، والدین، و اجداد در خط مستقیم اشخاص ذکر شده در بند ۴ نسبت به هر شخص زنده ی دیگری که به طور معمول در اقامتگاه اوست به دلیل وظایف صورت گرفته اش توسط شخص اخیر
- ۴ مکرر: نسب به مامور متصدی شبکه ی حمل و نقل عمومی به مسافران یا هر شخص دیگری که متصدی یک ماموریت به خدمت عمومی است و نیز نسبت به متصدیان مشاغلان بهداشتی در اجرای وظایفشان و به هنگامی که ویژگی های بزه دیده برای مرتکب روشن یا شناخته شده باشد؛
۵. نسبت به شاهد یا بزه دیده، یا مدعی خصوصی خواه به دلیل مانع شدن از اعلام وقایع ارتكابی، تقدیم شکوائیه یا مراجعه به دادگستری خواه به دلیل اعلام جرم یا شکایت یا مراجعه اش به دادگستری، (قانون سوم فوریه ۲۰۰۳)
- ۵ مکرر- به دلیل تعلق یا عدم تعلق واقعی یا خیالی بزه دیده به یک قوم، ملت، نژاد، یا مذهب مشخصی، (قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳)
- ۵ مکرر- به دلیل موقعیت جنسی بزه دیده؛ (قانون ۹ مارس ۲۰۰۴)
۶. به وسیله همسر قانونی یا طبیعی بزه دیده
۷. توسط شخصی که امانت دار قدرت عمومی یا متصدی ماموریتی به خدمات عمومی در اجرا یا به مناسبت اجرای ماموریت اش باشد
۸. به وسیله ی اشخاص چندی در همکاری با مباشد یا معاون جرم

۹. همراه با سبق تصمیم

۱۰. با استفاده از تهدید یا سلاح

جلوه های حمایت از اشخاص آسیب پذیر در نظام کیفری ایران

پیشینه دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران و حمایت حقوقی از بزه دیده

قانون آیین دادرسی کیفری، از مهمترین و اساسی ترین قوانین هر کشوری محسوب می شود که کارکرد آن تامین امنیت قضایی و برگزاری دادرسی عادلانه است. نخستین قانون آیین دادرسی کیفری در کشور ایران با عنوان «اصول موقتی محاکمات جزایی» به سال ۱۲۹۰ هجری خورشیدی باز می گردد. جریان این قانون پس از تقدیم به مجلس شورای ملی تا تصویب هیئت دولت و به اجرا شدن آن ضمن تصویب نامه هیئت دولت چنین بیان نموده است: «قوانین موقتی اصول محاکمات جزایی مشتمل بر پانصد و شش ماده که چهار صد و نود و دو ماده آن از طرف وزارت عدلیه، پیشنهاد کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی شده و در کمیسیون مزبور پس از نظریات جناب مسیو آدلف پرنی، مستشار عدلیه مطرح شور اول شده و در اثنای شور ثانوی به واسطه انفصال مجلس شورای ملی مذاقه کامل در قانون مزبور به عمل نیامده، لزوم ضرورت قوانین موقتی مزبور کاملاً احساس میشود. لهذا کمیسیون مخصوص از طرف وزارت عدلیه اعظم، از آقایان مفصله ذیل: حجت الاسلام سید حسن مدرس و آقای حاجی سید نصرالله و آقای ذکاالملک و آقای میرزا رضا خان نائینی تشکیل و مذاقه در شور ثانوی با جناب مستطاب اجل آقای مشیرالدوله و جناب «مسیو آدلف پرنی»، پروکور دولت جمهوری فرانسه در ماموریت مستشاری وزارت عدلیه اعظم به عمل آمده و چهارده ماده (از ماده ۱۶الی ۲۹) از طرف کمیسیون مخصوص به قانون مزبور آورده شده که مجموع این ۵۰۶ ماده به تصویب و امضای کمیسیون مزبور و تصدیق حضرت حجت الاسلام آقای مدرس که از آقایان علمای نظر تراز اول می باشد رسیده و از طرف جناب مستطاب آقای ممتاز الدوله وزیر عدلیه به هیأت وزرا پیشنهاد شده بود. در جلسه پنجشنبه نهم رمضان المبارک ۱۳۳۰ و زراء تصویب نمود که وزیر عدلیه مواد مزبور را به موقع اجرا گذارد.

– امضاء نجف قلی (صمصام السلطنه) رئیس الوزراء.» بر این اساس همان طور که ملاحظه می شود قانون اصول موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) به تصویب قوه مقننه نرسیده و با تصویب نامه هیئت دولت به موقع اجرا گذاشته می شود. این قانون در خلال عمر هشتاد و یک ساله خود چندین بار در سالهای ۱۳۱۱، ۱۳۳۵، ۱۳۳۷، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۶ بر حسب نیازهای زمان خود بروز رسانی و دستخوش تغییرات و دگرگونیهای فراوانی شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در ۲۲ بهمن، ۱۳۵۷ دادگستری از تشکیلاتی بود که به هر علت بیش از همه مورد اعتراض و انتقاد قرار گرفت. ادعای نبودن شرایط شرعی در قضا، اجرای بعضی مقررات خلاف شرع در دادگاه ها، سازمان قضاوتی و شیوه رسیدگی و صدور حکم در دادگاه ها، عنوان های اصلی انتقادات فوق الذکر بود. با جهت گیری نگرش انقلاب اسلامی جهت اجرای سیاست انقلابی - اسلامی کردن قوانین، تغییرات شگرفی در قوانین کیفری ایران صورت گرفت. شور و شوق برقراری حکومت اسلامی از نوع «جمهوری» و اجرای مقررات شرعی و حذف قوانین خلاف شرع باعث شد که در عمل فتاوی مشهور فقها به عنوان معیار سنجش شرعیت مصوبات مجلس محسوب شود و بر آن مبنا قوانین وضع، اصلاح یا منسوخ شوند. در حقیقت رساله های علمیّه مراجع بزرگ و بعضی کتب فقهی معتبر که در زمانهای گذشته به رشته تحریر درآمده است، به یکباره و بر اساس یک ایدئولوژی دینی خود برتر نگر، معیار ارزیابی قوانینی که حدود آزادی افراد در جامعه را به عنوان یکی از بنیادی ترین حق های بشری تعیین می نماید، قرار گرفت. به تعبیر دیگر، نظرات و فتاوی رایج فقهی که سالها نقشی در زندگی اجتماعی مردم

نداشتند، ناگهان مبنای قانونگذار برای وضع قوانین و مقررات قرار گرفتند. در واقع مردم، دقت و سرعت در رسیدگی و عدالت قضایی را مستلزم تغییر و تحول اساسی در این زمینه‌ها میدانستند. در نتیجه، از همان نخستین ماههای پیروزی انقلاب، قوه قضاییه با همکاری دو قوه دیگر تلاش نمود که بطور مستمر با تحولاتی بنیادین و با موفقیتی نه چندان ملموس و شکست‌های فاحش و غیر قابل انکار ادامه دارد. اما در خصوص تغییر در سازمان قضاوتی، شیوه رسیدگی در محاکم، صدور حکم و راه‌های شکایت از آراء، موفقیت نه تنها محسوس نمی‌باشد بلکه شکست در اقدامات بسیار نمایان و غیر قابل اغماض می‌باشد. مهمترین دگرگونی‌های آیین دادرسی کیفری همراه با تغییر در ساختار و صلاحیت مراجع قضایی رقم خورد. از جمله این تحولات تصویب قانون، تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب، ۱۳۵۸ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب، ۱۳۶۱ قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آن‌ها مصوب، ۱۳۶۷ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو شعب دیوان عالی کشور مصوب، ۱۳۶۸ بود. در سال ۱۳۶۸ لایحه‌ای تحت عنوان «لایحه تشکیل دادگاه‌های عام» به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد که پس از چند سال این لایحه، با اصلاحاتی در عنوان و متن در اواسط سال ۱۳۷۳ با عنوان «قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» به تصویب رسید و علی‌رغم پیش‌بینی مهلت موسع پنج‌ساله اجرای (آزمایشی) تدریجی آن در کشور، قوه قضاییه آن را به بدون تأمل و در ظرف کمتر از یک سال در سراسر کشور اجرایی نمود. در همین قانون، دادسرا، پاسدار منافع عمومی و دیده بان اجرای صحیح قوانین در محاکم، با قدمتی یکصدساله در ایران با توجیهاتی غیر واقع‌بینانه و سطحی و غریب، حذف و دعوای عمومی بی‌صاحب و ضربه‌ای اساسی و مهلک بر پیکره نظام قضایی ایران و حقوق عمومی وارد شد. در حقیقت ضربه‌ای که قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به دادگستری ایران و حتی حقوق بی‌صاحب شده عمومی وارد نمود در همه طول تاریخ یکصدساله اخیر ایران، بی‌سابقه است. مشکلاتی که نظام قضایی کیفری ایران با اجرای سریع قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ می‌توانست با آن روبرو شود و به دفعات از سوی حقوقدانان مورد تأکید واقع شده بود، با سپری شدن حدود یک دهه آشکارا خودنمایی نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست کیفری قانون‌گذار ایران در صورت ارتکاب جرمی علیه کودک، از نوع تشدید مجازات می‌باشد. در خصوص جرائم پزشکی، دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی همچنین در مورد جرائم اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌نمایند و هم در ارتباط با قاچاق انسان، اگر بزه دیده کودک باشد، مرتکب متحمل مجازات شدیدتری می‌شود تا وقتی که بزه دیده فرد بزرگسال باشد. اما این سیاست همیشه اعمال نمی‌شود و قانونگذار به لحاظ تأثیر پذیری چندگانه از منابع فقهی، عرفی و بین‌المللی همواره در کیفرانگاری حمایتی دچار نوعی تشکک می‌شود. به این جهت در بعضی جرائم، مانند قتل یا برخی جرائم جنسی، کودک بودن یا بزرگسال بودن بزه دیده، تأثیری در میزان و نوع مجازات ندارد. در حالی که در بعضی از جرائم، مانند جرائم جنسی علیه کودک به لحاظ گستردگی آسیب وارده بر وی، باید سیاست‌های تشدید مجازات برای مرتکب اعمال شود. در حقوق ایران حتی گاهی سیاست‌های تخفیفی در اعمال کیفر برای مرتکبان جرم علیه کودک به کار رفته است، مانند تقلیل مجازات حد رجم در زنا با پسر نابالغ به حد تازیانه و یا تقلیل مجازات قصاص به پرداخت دیه و تعزیر در صورتی که پدر و جد پدری فرزند خود را به قتل برسانند. قانونگذار ایران، در بعضی از جرائم مانند سوء استفاده مالی از غیر رشید، توسط والدین یا سرپرستان قانونی و با وصی، کیفرانگاری حمایتی شدید را به واسطه نوع رابطه مرتکب با کودک بزه دیده به کار می‌گیرد.

تصویب قانون جامع حمایت از معلولین در سال ۱۳۸۳ و الحاق به کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول در سال ۲۰۰۹ در همین راستا مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. به‌طور کلی رویه داخلی کشورها در حوزه حمایت از حقوق معلولان از تنوع زیادی دارد چرا که عده‌ای از آن‌ها به‌طور صریح به اصل عدم تبعض علیه معلولان اشاره کرده‌اند و آن را در مقررات کیفری خود جرم انگاری نموده‌اند.

اعمال کسانی که تحت عناوین مجاز قانونی؛ از قبیل ازدواج موقت، اقامت، فرزند خواندگی، تحصیل یا کار موجبات خروج زنان، دختران و اطفال و افراد دارای معلولیت را از مرزهای کشور به منظور بهره‌کشی فراهم نماید. جرم انگاری شده است. جرم انگاری بعضی از افعال یا ترک افعال، با توجه به زمینه‌های مختلف و تحت تأثیر عرف جامعه، معاهدات بین‌المللی و دیگر مولفه‌ها صورت می‌گیرد. جرم انگاری جدید، نوعی محدود کردن آزادی‌های فردی به حساب می‌آید و این در حالی می‌باشد که وقتی منافع جامعه به‌ویژه عده‌ای از افراد آسیب‌پذیر، غلبه داشته باشد، جامعه این محدودیت را بر می‌تابد. در خصوص کودکان هم به جهت آسیب‌پذیری آنان از نظر جسمی و روحی و نیز پذیرش جامعه در جهت محدودیت‌های فردی و در راستای حمایت از حقوق کودک، رفتارهای آسیب‌زا علیه آنان، جرم انگاری می‌شود. به این صورت، نخستین بخش از سیاست‌های حمایتی افتراقی در حقوق کیفری ویژه کودکان متبلور شده است. جرم انگاری حمایتی از کودکان به دو صورت امکان‌پذیر است. جرم انگاری یا جرم تلقی کردن یک فعل یا ترک فعل، فرایندی است که به‌وسیله آن رفتار جدیدی به موجب قانون تعریف و مشمول قانون کیفری و در نهایت مجازات می‌شود امروزه گستره رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودکان رو به افزایش بوده، به خصوص که این رفتارها به اشکال نوین، می‌تواند اثرات زیانباری را بر جسم و روح کودکان به جا می‌گذارد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته و در حیطه حقوق کیفری بزرگسالان، اصل جرم انگاری مضیق پذیرفته شده، در حالی که در همان نظام‌ها در حوزه حقوق کیفری کودکان بزه دیده، به لحاظ آسیب‌پذیری آنان از یک سو و اصل فراگیر بودن حمایت‌های قانونی از سوی دیگر، جرم انگاری موسع پیش‌بینی شده. این نوع جرم انگاری‌ها تحت عنوان جرم انگاری‌های حمایتی مورد بررسی و نوعی شیوه مقابله با اشخاصی می‌باشد که علیه کودکان مرتکب جرم شده‌اند. جرم انگاری موسع در این زمینه تنها با توجه به آمار رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودکان، نوع رفتارها، ویژگی‌های مرتکبان آن و همچنین زیرساخت‌های بومی و فرهنگی قابل اعمال استان مطابق قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، بعضی از رفتارهای آسیب‌زا جهت حمایت از کودکان جرم تلقی شده و قابل مجازات می‌باشد. صدمه و آزار و اذیت و شکنجه روحی و جسمی، نادیده گرفتن عملی سلامت بهداشت روانی و جسمی، ممانعت از تحصیل از اقداماتی می‌باشد که در صورتی که علیه کودک ارتکاب یابد وصف مجرمانه دارد. مطابق این قانون دیگر عناوین مجرمانه عبارت‌اند از خرید و فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق قانونگذار در سال ۱۳۸۱ با تصویب این قانون واژه کودک آزاری را وارد ادبیات قانونی نمود، ضمن اینکه خرید و فروش و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودک به‌عنوان رفتارهایی که به‌طور مستقیم موجب آسیب به کودک می‌شوند، پیش‌تر، در ایران سابقه تقنینی نداشت. جرم انگاری عدم گزارش جرائم علیه کودکان جرم انگاشتن عدم گزارش جرم نسبت به کودک توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، نوعی دیگر از جرم انگاری حمایتی در حوزه حقوق کیفری کودکان شمرده می‌شود.

پیشنهادات

با توجه به مطالعات انجام شده و نیز به منظور همسان‌سازی سیاست‌ها و اقدامات، بهره‌گیری کامل از منابع (مالی، نیروی انسانی و...) و بالتبع آن کاهش آسیب‌ها و افزایش حمایت‌ها پیشنهادهای ذیل به ذهن متبادر می‌شود.

۱. در حوزه حمایت‌های اجتماعی؛ به منظور مقاومت‌سازی اجتماعی، کاهش فقر و نابرابری و حمایت از طبقات کم‌درآمد و آسیب‌پذیر، حصول اطمینان از تضمین و تامین حداقل کیفیت زندگی اقشار و گروه‌های هدف در فرآیند رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی موظف می‌باشد مدیریت و ساماندهی منابع و مصارف مربوط به یارانه‌های اجتماعی، غربالگری نیازمندیابی فعال و اجرای آزمون وسیع جهت شناسایی اقشار و گروه‌های هدف و تعیین واجدین شرایط برخورداری از یارانه‌های اجتماعی را از طریق شکل‌دهی پرونده الکترونیک رفاه و تامین اجتماعی رای آحاد مردم و از طریق سامانه و پنجره واحد خدمات رفاه و تامین اجتماعی و پایگاه اطلاعات رفاه و تامین اجتماعی انجام داده و برطبق نیازسنجی انجام شده، خدمات امداد اجتماعی، حمایتی و توانمندسازی و بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی را در قالب نظام چندلایه به تامین اجتماعی به این قبیل افراد با هدف کاهش و رفع فقر غذایی، آموزشی، بیمه‌ای، درآمدی و مسکن ارائه نماید.
۲. در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ وزارت کشور با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مکلف می‌باشد جهت کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، روانشناختی و معلولیت‌ها با تاکید بر توسعه نظام‌ها و برنامه‌های ارتقایی و پیشگیرانه نظام جامع رصد آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌ها را تا پایان سال اول برنامه تدوین و از ابتدای سال دوم برنامه اقدامات لازم را نسبت به استقرار آن به عمل آورد. به نحوی که شاخص‌های جدول زیر محقق شود.
۳. علی‌رغم نقاط قوت قانون جامع حمایت از معلولین، خلاءهایی هم در آن وجود دارد که بایستی رفع شود
۴. بازنگاری و تکمیل قانون جامع حمایت از معلولین در راستای مفاد کنوانسیون ۲۰۰۶ از جمله مواردی است که باید مورد اهتمام مقنن قرار گیرد. وجود قوانین و مقررات کیفری منسجم و هماهنگ حمایت مؤثری نسبت به بزهدیدگان خاص و آسیب‌پذیر به عمل خواهد آورد.

منابع و ماخذ

الف) کتاب‌ها

۱. بوشهری، جعفر، حقوق جزا (حقوق جزای فرانسه)، انتشارات مجد، ج ۷.
۲. تدین، عباس، (۱۳۹۱)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۳. گودرزی بروجردی، محمد رضا، مقدادی، لیلا، (۱۳۹۵)، در آمدی بر قانون مجازات فرانسه، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۴. گودرزی، محمدرضا، مقدادی. لیلا، ۱۳۸۶. قانون مجازات فرانسه. انتشارات سلسبیل، چاپ اول.
۵. لارگیه، ژان، کاشفی اسمعیل‌زاده، حسن، ۱۳۷۸. آیین دادرسی کیفری فرانسه. انتشارات گنج دانش، چاپ اول.

ب) مقاله‌ها:

۱. امیریان فارسانی، امین، آزادیان، سیمین، (۱۳۹۶)، حمایت کیفری از زنان در برابر خشونت، فصلنامه مطالعات صیانت از حقوق زنان، سال سوم، شماره ۱۰، صص: ۱۰۹-۱۳۷

۲. بخشی، حمیده، فراحی، محمد مهدی، پویا، علیرضا، (۱۳۹۴)، تاثیر حمایت سازمانی ادراک شده بر تعهدات سازمانی کارکنان (مورد مطالعه کارکنان ادارات ثبت اسناد و املاک شهر مشهد)، مرکز همایشهای دانشگاه تهران، کنفرانس بین المللی ابزار و تکنیک های مدیریت
۳. جنگجوی (خراطا)، فرزاد، رضایی، یوسف، نصیری، حسین، (۱۳۹۴)، تحلیلی بر تضمینات مزد کارگر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، با نگاهی بر اسناد بین المللی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۰، صص: ۵۰-۵۹
۴. جنگجوی(خراطا)، فرزاد، نصیری، حسین، جامی، جواد، (۱۳۹۴)، مروری بر حمایت از کودکان کار در نظام حقوقی ایران با نگاهی بر اسناد بین المللی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۱، صص: ۷۰-۷۶
۵. حاجی تبار فیروز جانی، حسن، (۱۳۸۸)، پیشگیری اجتماعی از بزه دیدگی افراد در معرض خطر، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره ۱۲، صص: ۳۷-۵۳
۶. رحیمی نژاد، اسمعیل، (۱۳۹۶)، بازتاب آموزه های بزه دیده شناسی علمی در سیاست جنایی تقنینی ایران، حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص: ۱۶۳-۱۸۹
۷. رستمی، هادی، (۱۳۹۵)، تقابل وظیفه گرایی فایده محور در توجیه کیفر، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۴، صص: ۱۳۱-۱۵۵
۸. نوبهار، رحیم، انصاری، رحیم، (۱۳۹۷)، مطالعه آسیب های مربوط به تمامیت جسمانی از دیدگاه آسیب شناسی، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۸، شماره ۱، صص: ۱۸۵-۲۰۷

ج) پایان نامه ها

۱. کتابچه «اهم اقدامات مقابله و پیشگیری از خشونت علیه زنان و دختران»، (۱۳۹۷)، قابل دسترسی از: <http://women.gov.ir/uploads/images/gallery/ejtemaee/mostanad/moghabele.pdf>
۲. حاجی تبار فیروز جانی، حسن، (۱۳۸۸)، پیشگیری اجتماعی از بزه دیدگی افراد در معرض خطر، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره ۱۲، صص: ۳۷-۵۳
۳. حاجی ده آبادی، محمد علی، یوشی، مهشید، (۱۳۹۵)، جلوه های رویکرد حمایتی نسبت به بزه دیدگان عادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ماهنامه شباک (شبکه اطلاعات کنفرانسی های کشور)، سال دوم، شماره ۲، پیاپی: ۹، جلد ۱، صص: ۴۵-۵۸
۴. رحیمی، حمید، (۱۳۹۵)، رویکردهای سیاست جنایی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در چهار چوب حمایت از بزه دیده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده حقوق
۵. رحیمی، حمید، (۱۳۹۵)، رویکردهای سیاست جنایی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در چهار چوب حمایت از بزه دیده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده حقوق، صص: ۱۶۳-۱۸۹
۶. رضائی قوام آبادی، محمد حسین، (۱۳۹۰)، حمایت از معلولین در حقوق بین الملل، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص: ۳۰۷-۳۴۱
۷. شیعه علی، علی، زارع، وحید، زارع، مجتبی، (۱۳۹۴)، جایگاه سیاست جنایی و مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۲، شماره ۴ و ۵، صص: ۲۸۷-۳۱۰

۸. عباسچی، مریم، (۱۳۸۴)، رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه دیده، مجله حقوقی کیفری، شماره ۵۲ و ۵۳، صص: ۱۶۹-۲۰۴
۹. موذن زاده گان، حسنعلی، تدین، عباس، (۱۳۹۳)، زن در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم، صص: ۳۹-۶۷
۱۰. یکرنگی، محمد، شیروی، مهسا، (۱۳۹۰)، عدالت ترمیمی؛ واکنشی مناسب در حمایت از آسیب های روانی و جسمانی زنان بزه دیده خشونت خانگی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال پنجم، شماره نوزدهم، صص: ۸۹-۱۰۹